

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

نقش زنان در شکل‌گیری و جاودانگی حماسه عاشورا

نتایج برخی از مطالعات حاکی از این است که زنان در ادوار مختلف تاریخ برابر با مردان در عرصه‌های مختلف مانند واقعه عاشورا حماسه آفریدند و با رساندن پیام عاشورا در راه شناسایی حق از باطل کوشش کردند. در سال ۶۱ هجری در سرزمینی به نام کربلا و در نزدیکی رود فرات، واقعه‌ای رخ داد که تاریخ تا آن روز مانند آن را به خود ندیده بود. برخلاف تصور مالوف جامعه، حادثه کربلا یک جریان حماسی و عرفانی ویژه مردان نیست، بلکه نقش بانوان در این راستا چنان مشهود است که با اطمینان می‌توان گفت اگر از خودگذشتگی‌های بانوان نبود، هرگز خون امام حسین (ع) در مجرای صحیحی که بنیان یک انقلاب بود و به جاودانگی انجامید، جریان نمی‌یافت.

«سیران کریم پور، محمد مهدی کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم» در

مطالعه‌ای تحت عنوان « نقش زنان در شکل‌گیری و جاودانگی حماسه عاشورا»

به این مهم توجه کرده و سعی کرده‌اند بر کج اندیشی‌های جامعه آن روزگار در

مورد نقش زنان خط بطلان بکشند که مختصری از این مطالعه را در ذیل

می‌خوانید:

نقش زنان در جنگ‌های صدر اسلام

در متون تاریخی موجود، حداقل از ۳۴ زن در صحنه‌های نظامی عصر پیامبر نام برده شده است که در ۱۲ غزوه از غزوات پیامبر شرکت داشته‌اند. از این میان غزوه خیبر با ۲۰ زن بیشترین تعداد زن را به خود اختصاص داده است. در مورد تعداد دفعات شرکت زنان صدر اسلام در جنگ‌ها، آمار ذکر شده در منابع تاریخی بیانگر این است که ام سلمه، همسر پیامبر با شرکت در ۹ غزوه بیشترین حضور را در عرصه‌های نظامی داشته است و پس از وی، ام عماره قرار دارد که در چهار جنگ شرکت دلشته است.

حضرت فاطمه (س) به عنوان امدادگر نبرد

حضرت فاطمه (س) به عنوان الگویی کامل برای زنان جهان، استراتژی سیاسی خود را در تاریخ اسلام چنان ترسیم کرده است که بهترین سند گویا برای حضور و مشارکت زنان در مسایل سیاسی، اجتماعی و دفاعی است. وی به هنگام جنگ با تمام توان برای یاری سپاه اسلام می‌کوشید و در کارهای خدماتی و امدادی مشارکت می نمود و به یاری خانواده‌های رزمندگان و شهدا می‌شتافت.

نسیبه، حافظ جان پیامبر (ص)

آنچه از حضور زنان در جنگ احد قابل توجه است، فداکاری و حفاظت از

جان پیامبر به هنگام شکست و فرار سربازان اسلام است. بطوریکه تقریباً ۲۰نفر از جمله حضرت علی با پیامبر برای ادامه نبرد باقی ماندند. در اینجا زنانی مانند نسیبه جراحه، ام عقیله انصاری و دیگران به دفاع از جان حضرت رسول پرداختند. در حالیکه شمشیر و سپر به دست گرفته بودند با رجزخوانی خویشان و نزدیکان خود را به یاری دین خدا فرا می‌خواندند و نیز فراریان را مورد نکوهش و مذمت قرار می‌دادند.

نسیبه جراحه در حفاظت از جان رسول خدا ۱۳ زخم عمیق برداشت و

پسرش که پیشاپیش او می‌جنگید نیز به شهادت رسید ولی نسیبه بدون توجه

به شهادت فرزندش، همچنان به نبرد خود با دشمنان اسلام ادامه داد.

نقش زنان در تاریخ از منظر اسلام

اگر به تاریخ اسلام نگاه کنیم، می‌بینیم که تاریخ اسلام یک تاریخ مذکر- مونث است. ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش. پیغمبر (ص) هم یاران مذکری دارد و هم یاران مونث. هم راوی مرد دارد و هم راوی زن. در کتبی که هزار سال قبل نوشته شده است، روایات زیادی داریم که راوی آنها زن بوده است.

تاریخ کربلا نیز یک تاریخ و حادثه مذکر-مونث است. حادثه‌ای است که مرد و زن هر دو در آن نقش دارند، ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش. حضرت ابا عبدالله... اهل بیت خودش را حرکت می‌دهد برای اینکه در این تاریخ عظیم رسالتی انجام دهند. برای اینکه نقش مستقیمی در ساختن این تاریخ عظیم داشته باشند، با قافله سالاری حضرت زینب بدون آنکه از مدار خودشان خارج شوند.

نقش زنان قبل از حماسه عاشورا و در روز عاشورا

خانه‌ای که منزلگاه دعوت و حرکت به سوی امام حسین (ع) بود، طبری و ابن اثیر در تاریخ خود از اِبی مخنف نقل کرد که زنی از قبیله عبدالقیس به نام ماریه در بصره بود که خانه‌اش محل لقت شیعیان و ترویج مذهب امامیه بود. ماریه در راستای همان رسالتی قدم برداشت که بانو خدیجه در بذل ثروتش در راه اسلام داشت. او یکی از زنان مجاهد بصره بود و در میان شیعیان بصره جایگاه والایی داشت و مورد اعتماد و احترام بود. در جریان نهضت عاشورا نیز منزلش را در اختیار امام حسین (ع) و محبان اهل بیت (ع) قرار داد.

مشارکت زنان در مبارزه و جهاد

شرکت زنان در جبهه پیکار نیز از جلوه‌های حضور زنان در عرصه نهضت

مروری بر دشمن‌شناسی ائمه؛

قاتلان امام حسین(ع) را بهتر بشناسید



به گفت و گوی سیدالشهدا(ع) و عمر سعد توجه کنید:

امام حسین(ع): آيا از خداينی ترسی که با من می‌جنگی در حالی که می‌دانی من کیستم؟ این گروه راه‌را کن و نزد من بیا تا مقرب درگاه الهی شوی.

عمر سعد: از آن می‌ترسم که خانه‌ام را خراب کنند.

امام حسین(ع): من برای تو خانه‌ای مهیا می‌کنم.

عمر سعد: اموال‌م را می‌گیرند.

امام حسین(ع): من بهتر از آن را به تو می‌دهم.

عمر سعد ساکت شد و جویی نداد. امام در حالی که آنجا را ترک می‌کرد فرمود: خدایه زودی تو را در بستر بکشد و در روز قیامت نیامرزد. امید دارم از گندم عراق جز اندکی نخوری.

عمر سعد: اگر گندم نباشد، جو خواهد بود.

عمر سعد دستور داد آب را بر امام و یارانش بینند. همچنین او اولین کسی بود که به طرف اردوگاه امام حسین (ع) تیراندازی کرد و به یارانش گفت «شاهد باشید که من اولین کسی هستم که به طرف حسین تیراندازی می‌کنم» و سپس فرمان حمله عمومی را صادر کرد. او کشتگان سپاه خودش را دفن کرد اما پیکر امام و دیگر شهیدان کربلا را بدون خاکسپاری روی زمین رها کرد و به کوفه بازگشت.

روزی در رکاب امام و روزی علیه امام

شمر از روسای قبیله هوازن و مردی جنگجو بود. او در جنگ صفین در لشکر حضرت علی (ع) و مجروح شد اما بعدها از دشمنان بر کینه امام و خاندان او شد. او در واقعه کربلا نقش بسیار پر رنگی داشت. وقتی مسلم بن عقیل از سوی امام حسین (ع) به کوفه رفت، شمر از افرادی بود که از طرف عبیدل... بن زیاد، حاکم کوفه، مامور شد مردم را از اطراف مسلم پراکنده سازد و در سختانی مسلم را فتنه‌گر نامید و کوفیان را از سپاه شام ترساند.

پس از آنکه امام حسین به کربلا رسید، عمر بن سعد، فرمانده لشکر کوفه، پس از ملاقاتی که با امام حسین علیه السلام داشت، نامه‌ای به این مضمون به عبیدل... بن زیاد نوشت: اما بعد همانا خداوند آتش را خاموش ساخت و پریشانی را برطرف نموده کار این امت را اصلاح کرد، و حسین با من پیمان بست که از همان جا که آمده به همان جا بازگردد یا به یکی از سرحدات رود و مانند یک تن از مسلمانان

مخلوقی از آن شرم دارد بیان کند.

چهارم: حاکمان مستکار را رسوا می‌ساخت حاکمانی که بر همه امور تسلط داشته مردم را گمراه نموه و در گذر زمان حقیقت را وارونه می‌ساختند. پس ام البنین با این روش حق و حقیقت را آشکار می‌کرد و نمی‌گذشت گذر زمان این حقایق را کهنه کند.

پیام رسانی و تداوم بخشی در غالب خطبه‌ها

همسران و دختران و اهل بیت فاضل ائمه و زنان فداکار در کربلا که همراه رهبرانشان مصائب و سختی‌ها را متحمل شده بودند، حامل پیام‌ها و گفتار آن بزرگواران نیز بودند. بانوانی مانند حضرت زینب(س) که با سخنان فصیح و بلیغ و کلام آتشین و کوبنده خود، دربار این زیاد و یزید را زیر و رو کردند و این دو عنصر حکومت طاغوت را به عجز واداشتند.

جمع بندی:

با توجه به نقش زنان در حماسه عاشورا این نتیجه بدست می‌آید که زن از نظر رسیدن به کمالات انسانی برابر با مرد است و زنان بزرگ عاشورایی با حضور در عرصه‌های مختلف حماسه آفریدند. یکی خانه‌اش را منزلگاه دعوت و حرکت به سوی امام حسین کرد و دیگری سفیر امام را از دست دشمنان پناه داد.

گاهی در مقام همسری و گاهی در کسوت مادری در یافتن راه سعادت عزیزانشان را یاری و همراهی نمودند و گاه در جبهه مبارزه اوج عشق خود به ولایت را به نمایش گذاشتند و بعد از اقعه جانگداز عاشورا با صبر بر مصائب مانع شادکامی دشمن شدند و با اعلام انزجار از اعمال پلید آن ناپاکاران تبری جسته و رسایشان کردند و با رساندن پیام عاشورا و حماسه‌ها و فداکاری‌های آن مردان حق، در راه شناساندن حق از باطل همچنان مبارزه کردند.

منبع:

کریم پور، سیران، کریمی نیا، محمد مهدی و انصاری مقدم، مجتبی «نقش زنان در شکل‌گیری و جاودانگی حماسه عاشورا»، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، سال سوم، شماره ۲۲، اسفند ۱۴۰۰

باشد) او کاری بکار کسی نداشته باشد) در هر چه بسود مسلمانان است شریک آنان و در زیان آنان نیز همانند ایشان باشد، یا به‌زرد یزید برود و دست در دست او گذارد و هر چه خود دانند انجام دهند، و در این پیمان خوشنودی تو و اصلاح کار اِمت است.

زمانی که عمر سعد از درگیری و جنگ با امام حسین (ع) هراس داشت و به دنبال آن بود تا کار را با صلح و سازش به پایان برساند، شمر، این زیاد را که به نظر می‌رسید با قصد عمر بن سعد موافق است، به جنگ با امام تشویق کرد.

شمر نامه ای از عبیدل... برای عمر سعد برد و او را تهدید کرد که اگر با امام حسین(ع) نجاتی، ملک ری را از دست خواهد داد.

صبح روز عاشورا، شمر فرماندهی پهلوی چپ سپاه ابن سعد را برعهده گرفت و هنگامی که با خندق و هیزم مشتعل در اطراف خیمه‌های امام و یارانش روبه رو شد، با امام گستاخانه سخن گفت. پس از آنکه امام حسین (ع) برای تذکر به سپاه کوفه خطبه‌ای در مورد دوستی اهل بیت آغاز کردند، شمر کلام امام را قطع کرد اما حبیب بن مظاهر به او پاسخ دندان شکنی داد.

پس از شهادت بسیاری از اصحاب امام حسین، دشمنان به سوی خیمه‌ها حمله بردند. شمر نیزه خود را در خیمه امام حسین فروبرد و فریاد زد که آتش بیاورید تا این خیمه را با اهلش بسوزانم. امام او را نفرین کرد و حتی دوستش، شَیْب بن ربیع، نیز او را سرزنش نمود. یک بار دیگر در عصر عاشورا و قبل از شهادت امام حسین، شمر قصد داشت به خیمه امام که خاندانش نیز در آن بود، حمله کند و آن را به تاراج برد اما امام او را از این کار برحذر دلشت و شمر بازگشت.

شمر به تیراندازان دستور داد تا بدن امام حسین را هدف قرار دهند. سپس با فرمان او، همه به سوی امام حمله بردند و کسانی از جمله سان بن انس و زرعة بن شریک به طرف خیمه‌های نهایی را بر امام وارد کردند. درباره کسی که سر مبارک امام حسین را از تن جدا کرد، روایات گوناگونی وجود دارد که در برخی از آنها از شمر نام برده شده است. به گفته واقدی، شمر امام (ع) را کشت و با اسب خود بدن آن حضرت را لگدکوب کرد. در برخی روایات گفته شده است که وی بر سینه امام نشست و سر او را از پشت جدا کرد. در زیارت ناحیه مقدسه نیز شمر قاتل امام حسین(ع) معرفی شده است.

کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

به قول شهیدسیدمرتضی آوینی«قرن هاست که کار از کار گذشته است... اما ای دل، نیک بنگر که زبان رمز، چه رازی را با تو باز می‌گوید: کلّ اَرض کربلا و کلّ یوم عاشورا یعنی اگر چه قبله در کعبه است، اما قَایِمًا تَوَلَّوْا قِبَتَهمْ وجه الله. یعنی هر جا که پیکر صد پاره تو بر زمین افتد، آنجا کربلاست؛ نه به اعتبار لفظ و استعاره که در حقیقت، هر گاه که علم قیام تو بلند شود عاشوراست؛ باز هم نه به اعتبار لفظ و استعاره. و اگر آن قافله را قافله عشق خواندیم در سفر تاریخ، یعنی همین».

حضرت علی(ع) درباره آیات ۳۰ سوره قمرفرمود «ای مردم، یک نفر ناچه حضرت صالح را پی کرد، همه به خاطر رضایت دلشنش آنها به آن کار، به عذاب آن گرفتار شدند» در زیارت اربعین نیز به سیدالشهدا(ع) عرض می‌کنیم «خداالعتت کند، آن که تو را کشت و آن که به تو ظلم نمود و جماعتی را که این مطلب را شنیدند و به آن راضی شدند.»

اگر هر روز ما عاشورا باشیم، باید تکلیف خود را روشن کنیم که به صف حبیبی ها پیوندیم یا در صف یزیدیان جا بگیریم و صف دیگری هم وجود ندارد.ممکن است در صحنه های عاشورایی مانند فراد بی تفاوت،به دنبال دنیای خود باشیم و کاری به هیچ گروهی نداشته باشیم ولی اگر در دل خود ذره ای رضایت از عملکرد یزیدیان داشته باشیم، در گناه آشکار شریک خواهیم بود.
یادی کنیم از این نقط تاریخی استاد شهید مرتضی مطهری در سال ۱۳۴۸ که «اگر حسین بن علی بود، می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزن، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر ۱۳۰۰ سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس».